

## تحلیل ژئوپلیتیکی فرآیند دیپلماسی حج با تأکید بر هویت اسلامی

سیدمحمدجوادسیدی فرد<sup>۱</sup>

افشین متقی<sup>۲</sup>

حسن ارجمندی<sup>۳</sup>

### چکیده

«هویت اسلامی» یکی از ارکان اصلی تمدن اسلامی، و بیانگر موجودیت، پویایی، اصالت و فرهنگ غنی مسلمانان در سراسر جهان است. امروزه هویت اسلامی به واسطه ایدئولوژی منبعث از اصول متعالی اسلام مبتنی بر توحید، عدالت خواهی و اعتقاد به محاسبه الهی، مورد هجمه دشمنان قرار گرفته است تا با استحاله یا نابودی آن بتوانند منزلت و قدرت اسلام را فرسوده و منزوی کنند. از سوی دیگر چون مقوله هویت از ملت و ملیت نشئت می‌گیرد و نیز زاینده محیط جغرافیایی است، از مفاهیم بنیادی در جغرافیای سیاسی و به تبع آن یک عامل ژئوپلیتیکی قلمداد می‌شود. از این رو تقویت و ارتقای اثربخشی و منزلت هویت اسلامی برای تمدن‌سازی اسلام در مقیاس جهانی

velayateeshgh63@yahoo.com

۱. دکترای دانشکده علوم و فنون فارابی (نویسنده مسئول)

afshin\_mottaghi@yahoo.com

۲. دکترای دانشگاه خوارزمی تهران

maharatone@chmail.ir

۳. کارشناسی ارشد دانشکده علوم و فنون فارابی

ضروری است. در این میان حج و دیپلماسی برخاسته از آن در فرصت بی بدیلی برای هم افزایی، شناخت عمیق و تقویت پایه های هویتی امت اسلام ایجاد می کند. تحلیل ژئوپلیتیکی کنش ها و اندرکنش های فرایند دیپلماسی حج و اثرگذاری و اثرپذیری های هویتی امت اسلامی از آن می تواند چشم اندازی مطلوب در این فرایند ترسیم کند. از این رو در این پژوهش برآنیم تا با بهره گیری از روش شناسی های فرآینباتی و تحلیل شرایط حاکم بر حج و دیپلماسی آن، چگونگی تضارب ژئوپلیتیکی هویت اسلامی در دیپلماسی حج را احصا، و در نهایت افقی ژئوپلیتیکی برای تقویت هویت اسلامی برگرفته از دیپلماسی موفق حج ارائه کنیم.

**کلیدواژه ها:** هویت اسلامی، دیپلماسی حج، تحلیل ژئوپلیتیکی.

## مقدمه

فرایند دیپلماسی - که به عنوان راهبرد ارتباطی ویژه و هدفمند می کوشد مردم را به نحوه اندیشیدنی خاص ترغیب و اقناع کند (Melissen, 2005, P. 85) - به دنبال نفوذ در افکار عمومی برای تحکیم منافع و اهداف مد نظر است. دیپلماسی، مجموعه تدابیر عملی و اجرایی است که یک دولت با توسل به آن منافعش را در خارج از قلمرو خود دنبال می کند. دیپلماسی از منظر اسلام عبارت است از: فعالیت هایی که در راه نیل به مقاصد و ادای وظایف دولت اسلامی و تحقق بخشیدن به خط مشی های کلی اسلام انجام می گیرد. اسلام برای دیپلماسی سیاسی خود مبانی فکری و اصول خاصی دارد که باید در تمام ارتباطات و اقدامات مورد توجه قرار گیرند. (محسنی و احمدی بیغش، ۱۳۹۸ش، ص ۲).

انجام دادن مناسک حج به صورت صحیح می تواند اسلام و مسلمانان را در یک جایگاه رفیع بین المللی قرار دهد و چهره دقیق اسلام را به جهانیان نشان دهد. (صادق زاده، ۱۳۹۵ش، ص ۱۲۲) همچنین باعث آشنایی و همگرایی و تقویت هویت اسلامی مسلمانان می شود (همو، ص ۱۲۴) و زمینه اتحاد و تقویت وزن ژئوپلیتیکی امت اسلامی را فراهم می کند؛ به عبارت دیگر در جریان دیپلماسی حج می توان با تأکید بر کدهای

ژئوپلیتیکی یا تحلیل مؤلفه‌های اثرگذار آن، ضمن برنامه‌ریزی استراتژیک صحیح، به تقویت بنیان‌های مهم ژئوپلیتیکی، مانند هویت اسلامی و همگرایی امت اسلامی، نائل آمد.

هویت، که عامل معنوی مهم ژئوپلیتیکی و تقویت‌کننده حرکت ملت‌ها به سوی اشتراکات تمدنی است (مجتهدزاده، ۱۳۹۱ش، ص ۵۶)، چنانچه به صورت دینی - اسلامی در زندگی مسلمانان نهادینه گردد می‌تواند الگوی التزام عملی و اعتقادی در رفتار مسلمانان باشد (خسروانیان، ۱۳۸۷ش، ص ۹) در این صورت تحولات و فرایندهای مرکزگرایی و مرکزگرایی (ویسی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۶۲) فضای ایدئولوژیک جهان اسلام سبب ارتقای منزلت امت اسلامی و دین مبین اسلام در عرصه بین‌المللی می‌گردد و می‌تواند باورهای ذهنی، معنوی و روحی متمایز جوامع بشری (اسلامی) سازماندهی کند (Gottmann, 1951, P. 163-164). از این رو تحلیل ژئوپلیتیکی مؤلفه‌های اثرگذار در فرایند حج (به ویژه هویت اسلامی) و بررسی کنش‌ها و اندرکنش‌های متقابل فرایندی، می‌تواند چشم‌اندازی روشن برای گسترش حوزه نفوذ مبانی دینی اسلام فراهم کند؛ به عبارت دیگر، لازمه طراحی فرایند مطلوب دیپلماسی حج، تحلیل و بررسی دقیق مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر در آن، از جمله «هویت اسلامی»، است.

## روش تحقیق

در این پژوهش سعی شده است با بهره‌گیری از روش‌های فرا‌اثباتی، به صورت تفسیری - تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و رویدادی چشم‌انداز پیش‌رو ترسیم شود. ابزار و روش گردآوری داده‌ها با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، اینترنت و خبرگزاری‌ها و مقالات علمی و تحلیل اسنادی است و با تأکید بر اصول و منابع فلسفه و پارادایم‌های مرتبط، به توصیف و تحلیل ژئوپلیتیکی دیپلماسی حج با تأکید مؤلفه هویت اسلامی پرداخته شده و سناریوی پیش‌رو مطرح گردیده است.

### مفهوم دیپلماسی و دیپلماسی حج

کلمه دیپلماسی، به مفهوم کنونی خود، حدود دویست سال است که وارد زبان‌های اروپایی و غیراروپایی شده و ریشه لغوی آن از کلمه یونانی «دیپلما» است که در اصل به معنای کاغذ لوله شده یا تا خورده است. دیپلماسی به اشکال مختلفی تعریف شده که در آسان‌ترین شکل، به عنوان هنر ایجاد ارتباط میان کشورها تعبیر شده است. در سخنی دیگر دیپلماسی، دانش و هنر تمشیت روابط خارجی و حل و فصل مسائل خارجی یک کشور از طریق مسالمت آمیز است. از این رو دیپلماسی را گزینه غیر جنگ در روابط میان کشورها نیز تلقی می‌کنند (ظریف و سجادیپور، ۱۳۹۴ ش، ص ۳۵)

دیپلماسی تابع متغیرهای خاصی است که عمدتاً ریشه در شرایط و تحولات واقعی و خارجی واحدهای سیاسی دارد. گرچه این امکان وجود دارد که دین یا هر مجموعه اعتقادی و ارزشی دیگری که ماهیت فرازمانی و فرامکانی دارد، برخی اصول ثابتی را در حوزه رفتار سیاست خارجی ترسیم کند، اما این اصول به طور قاطع، درصدد پیش‌بینی همه امور به صورت یک طرفه و تکوینی نیستند.

دیپلماسی اسلامی یکی از همین قواعد رفتاری است که علی‌رغم ارتباط نزدیک با ارزش‌های ثابت دینی، با واقعیت‌های بیرونی جامعه سیاسی نیز سروکار دارد. از این رو طبیعی است که متناسب با تحولات، شرایط و واقعیت‌های سیاسی، همواره مسیر تحول و انطباق با شرایط را نیز پیماید.

دیپلماسی اسلامی از آغاز شکل‌گیری دولت اسلامی در مدینه تا عصر دولت‌های مدرن کنونی در جهان اسلام، تحول چشم‌گیری یافته است. (سجادی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۰) در نگاهی دیگر دیپلماسی فرهنگی نیز نوعی دیگر از انواع دیپلماسی

است که به معنای تلاش برای درک، مطلع ساختن، مشارکت دادن و تأثیرگذاری بر مردم دیگر کشورها و تبادل ایده‌ها به منظور تقویت تفاهم متقابل است. (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۰۹) بنابراین می‌توان دیپلماسی فرهنگی را به ابزاری برای تأمین منافع و مصالح ملی - دینی یک ملت یا فرهنگ تفسیر کرد. از این رو دیپلماسی فرهنگی جهان اسلام دارای قدرت و کارکرد بزرگی است؛ چراکه زیربنای آن دین مبین اسلام و آموزه‌های پرمحتوای آن است و زمینه را برای تأمین اهداف و خواسته‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... جهان اسلام فراهم می‌کند. (صادق‌زاده، ۱۳۹۵ش، ص ۱۳۳)

مناسک و دیپلماسی حج مسلمانان را همه ساله در اجتماعی عظیم گرد هم می‌آورد و همگان را با دستور و نظام واحد به اجرای مراحل مختلف مناسک وامی‌دارد و مسلمانان را متوجه هویت دینی و فرهنگی خود می‌کند. بنابراین مناسک حج بر پایه مفاهیم هویتی، فرهنگی و دینی، می‌تواند در چهارچوب دیپلماسی اسلامی، کارکردهای بسیاری در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد. (همو، ص ۱۲۲)

با توجه به مفاهیم پیش‌گفته، برای دستیابی به یک دیپلماسی مطلوب باید شناخت دقیقی از واقعیات ژئوپلیتیکی داشت و این مهم از رهگذر تحلیل دقیق و صحیح ژئوپلیتیکی به دست می‌آید.

### ژئوپلیتیک و تحلیل ژئوپلیتیکی

تعاریف و تفاسیر گوناگونی از علم ژئوپلیتیک ارائه شده است که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

«هارتشورن» معتقد است، ژئوپلیتیک چیزی جز به‌کار بردن دانش جغرافیای سیاسی در امور و مسائل فراملی نیست. (Pacione، 1985، ص 48) از دیدگاه کوهن،

ژئوپلیتیک دانش مطالعه روابط فضای جغرافیایی با سیاست است. (Cohen, 1994, P. 17) پیروز مجتهدزاده ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی را به اثر محیط و مقتضیات آن بر تصمیمات سیاسی در سطح منطقه‌ای و جهانی تعبیر کرده است. (مجتهدزاده، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸) علامه جعفری در نگاهی متفاوت پلیتیک را برگرفته از مصدر نظم می‌داند و معتقد است که دانش پلیتیک به دنبال نظم و نظام دهی است (جعفری، ۱۳۹۴/۵/۱۶، شبکه ۴ سیمای ج ۱۰۱) از این دیدگاه می‌توان ژئوپلیتیک را علم نظم جغرافیایی در مسائل عالم دانست و در عصر حاضر «قدرت» است که موتور محرک این ساماندهی است. اما چون گستره حاکمیت و «قدرت» اسلامی جهانی است باید الگوهای رفتاری ویژه‌ای در حوزه ژئوپلیتیک، تحت عنوان «ژئوپلیتیک اسلامی»، تبیین کرد. (سیدی فرد، ۱۳۹۷ش، ص ۷۲).

سیاست خارجی یک کشور برآیند پروسه پیچیده و چندوجهی تحلیل و تصمیم براساس ژئوپلیتیک است. این تحلیل ژئوپلیتیکی در مدل‌ها، الگوها و محیط‌های مختلف تعریف و تبیین می‌شود که از جمله آنها می‌توان به مدل عقلایی تحلیل در فضای تعاملی جهانی، مدل روانشناختی تصمیم و تحلیل ژئوپلیتیکی، مدل سیاسی، تحلیل‌های شهودی، مدل سبک تصمیم‌گیری، تکنولوژی واحدهای سازمانی، تحلیل شهودی چندوجهی و... اشاره کرد. (Muller, 2018, 28-42).

بنابراین باید در حوزه روابط بین کشورها و دولت‌ها بر مبنای مناسبات قدرت اساس و اصول ژئوپلیتیکی را در تحلیل شرایط حاکم بر کنش‌ها و اندرکنش‌های متقابل سیاسی - جغرافیایی در نظر گرفت تا بتوان ترسیمی صحیح از چشم‌انداز روابط بین ملت‌ها و امت‌ها داشت.

با توجه به استدلال‌های علمی ژئوپلیتیکی، کدها و مؤلفه‌های عملیاتی حاصل

می‌شود که بر اساس سلسله مفروضات ژئوپلیتیکی، سیاست پایه و مبنا را برای برنامه‌ریزی استراتژیک و بین‌المللی یک کشور توصیه می‌کند (Gaddis, 1982, P. 64-69) که از این توصیه‌ها، تحت عنوان «کدهای ژئوپلیتیکی» یاد می‌شود. در واقع کدهای ژئوپلیتیکی عبارتند از دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود مکان‌های جغرافیایی را ارزیابی می‌کند (Taylor, 1994, P. 330). در مدل زیر می‌توان مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی و ارتباط بین آنها را دریافت:

### مفهوم هویت، هویت ملی و هویت اسلامی

هویت به معنای «چه کسی بودن» است؛ اینکه یک فرد یا یک گروه انسانی خود را چگونه می‌شناسد و می‌خواهد چگونه بشناساند یا چگونه شناخته شود. هویت پاسخی به نیاز طبیعی در انسان برای شناساندن خود به یک سلسله عناصر و پدیده‌های فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی است. (مجتهدزاده، ۱۳۹۰ش، ص ۷۳) در یک نگاه کلی‌تر می‌توان هویت را همان شخصیت تکامل یافته انسان‌ها دانست که بر پایه عوامل محیطی و فردی شکل یافته است و فرد به واسطه آن ابراز وجود و نقش آفرینی می‌کند.

هویت ملی عبارت است از: مجموعه خصایص و ارزش‌های مشترک یک ملت که افراد ملت نسبت به آنها خودآگاهی یافته‌اند و به واسطه آنها به یکدیگر احساس تعلق می‌کنند. هویت ملی موجب تمایز یک ملت از دیگران می‌شود و موجبات معرفی آن ملت را فراهم می‌آورد؛ به عبارت دیگر هویت ملی بر پایه خصوصیات سرزمینی، فرهنگی، تاریخی، دینی، قومی، نژادی و غیره شکل می‌گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹ش، ص ۲۱۱) هویت ملی ممکن است مجموعه نهادهایی باشد که در آنها ارزش‌های مربوط به اجتماع مردم تعیین شده است (توادز، ۱۳۷۸ش، ص ۱۹۱)

در دیدگاه اسلام همان طور که جامعه انسانی در اسلام (امت) بر اساس مبانی اعتقادی شکل گرفته است، هویت و شخصیت افراد اجتماع نیز از عوامل روحی، فکری و معنوی نشأت گرفته است و به طور کلی عوامل مؤثر و سازنده شخصیت و هویت مسلمانان، در سه عامل اساسی «وراثت، فرهنگ و محیط» خلاصه می شود. البته عوامل مهم دیگری نیز در اسلام مورد تأکید است که عبارتند از «عقل و پیامبران». (الهامی، ۱۳۷۰ش، ص ۴۶۷)

مرتضی مطهری، به طرح دیدگاه‌هایی درباره هویت ایرانی می پردازد و از میان عناصر متفاوتی که به هویت ایرانی شکل داده است، به مذهب اولویت و اصالت می بخشد و عواملی چون جغرافیا، نژاد، زبان، سنن، فرهنگ و سایر عناصر هویتی را در درجه دوم اهمیت می دهد. از نظری مهم ترین عامل هویت یابی ایرانیان، گرایش آنان به دین اسلام است؛ زیرا اسلام به واسطه خصوصیات معنوی خود توانست به ایرانیان هویت جدیدی اعطا کند و به ایرانی بودن نیز معنای جدیدی بدهد. (تاجیک، ۱۳۷۹، ص ۳۵). بنابراین می توان گفت هویت اسلامی مجموعه ویژگی های مشترک نهادینه شده در میان امت اسلامی است که به واسطه مبانی دینی، سبب تکامل شخصیت و ارتقای جایگاه و منزلت فردی و اجتماعی مسلمانان شده است.

### اهمیت هویت در ژئوپلیتیک

هویت در ژئوپلیتیک، تقویت کننده سیرکولاسیون (ulationcirc) و برانگیزاننده حرکت ملت ها به سوی یک هویت فرهنگی مشترک است. آنچه هم اکنون تردیدی بر جای نمی گذارد این است که حرکت های هویت گرایی در جهان ژئوپلیتیک کنونی نه تنها با حرکت جهانی شدن ها و نزدیک شدن روزافزون ملت ها مغایرت ندارد، بلکه همگام آن حرکت، فرا آمدن نظامی متوازن را در ژئوپلیتیک شکل گیرنده جهانی



نوید می دهد؛ گردهمایی های جهانی مانند مناسک حج، سازمان کشورهای غیر متعهد، سازمان کنفرانس اسلامی و... از نمونه های بارز این گونه هویت گرایی های جمعی میان فضاهاى ازهم گسیخته به سوى سیرکولاسیون و یکپارچگی فضای سیاسی است. (مجتهدزاده، ۱۳۹۱ش، ص ۵۸-۵۶)

در واقع هویت - به عنوان یکی از عوامل پیونددهنده فرهنگی، سیاسی و اقتصادی میان اجزای یک فضای جغرافیایی - می تواند به درهم آمیزی استراتژیک کشورها در منطقه ویژه ای برای پدیدآوردن یک نظام منطقه ای یکپارچه بینجامد. چنین عملکردی در نظام ژئوپلیتیک جهانی کنونی، در قالب فرایندهای «گروه بندی منطقه ای» و «همگرایی منطقه ای» صورت می پذیرد. (همو، ص ۲۴۰)

### نگاه اسلام در خصوص هویت

هویت را می توان نوعی شخصیت تکامل یافته انسانی در ابعاد ملی، محلی یا فراملی در نظر گرفت که در یک پهنه جغرافیایی ظهور می یابد. بنابراین هویت و شخصیت از نگاه جغرافیای سیاسی زائیده ملت در پهنه جغرافیای مشخص است.

دیدگاه اسلام در خصوص هویت و شخصیت، بر اساس ملاک های روحی و انسانی است نه بر اساس عوامل ملیتی و سرزمینی؛ به عبارت دیگر همان طور که جامعه انسانی در اسلام (امت) بر اساس مبانی اعتقادی شکل گرفته است، هویت و شخصیت افراد اجتماع نیز از عوامل روحی، فکری و معنوی نشئت گرفته است و به طور کلی عوامل مؤثر و سازنده شخصیت و هویت مسلمانان، در سه عامل اساسی «وراثت، فرهنگ و محیط خلاصه می شود (الهامی، ۱۳۷۰ش، ص ۴۶۷). البته عوامل مهم دیگری نیز در اسلام مورد تأکید است که عبارتند از «عقل و پیامبران».

ذیلاً به آنچه در قرآن و احادیث در ارتباط با عوامل هویتی اسلامی مطرح شده است، اشاره می‌شود:

### ۱- عامل وراثت

امام سجاده علیه السلام می‌فرماید:

وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بَحْيِرِهِ وَ شَرِّهِ وَ  
أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ  
عَلَى طَاعَتِهِ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌّ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقَبٌ عَلَى  
الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ

حق فرزند تو این است که او از تو است و خوبی و بدی کارهای او به تو نسبت داده می‌شود. تو مسئول هستی او را خوب تربیت کنی، و مسئول هستی او را به سوی پروردگار راهنمایی، و در اطاعت خداوند یاری اش کنی پس در کار او به مانند کسی قیام کن که می‌داند که اگر خوبی کنی جزای نیک می‌بری و اگر درباره او بدی روا داری بازخواست می‌شوی» (صدوق، ۱۴۱۳ق،

ج ۲، ص ۶۲۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْضِهَا وَ وُلْدِهِ  
وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ.

مرد سرپرست خانواده خود است و در قبال آنها مسئول است و زن نیز سرپرست خانواده شوهر و فرزندان خود است و درباره آنها مسئولیت دارد.

(ورژام، ۱۳۶۹ش، ج ۱، ص ۶)

از مطالب فوق برمی‌آید که یکی از مفاهیم اساسی هویت یابی و اصالت داشتن،

عامل خون و وراثت است. گرچه در مفاهیم غیراسلامی نیز به این امر اشاره شده، اما آنچه تفاوت اساسی بین مضامین اسلامی و غیراسلامی را رقم می‌زند ماهیت وراثت است. در اسلام در اثر وراثت، مسئولیت اخلاقی، معنوی و فکری نیز علاوه بر مسائل مادی مهم تلقی می‌شود؛ زیرا این ضرورت‌های اخلاقی تضمین‌کننده روح سالم در جامعه انسانی است.

## ۲- فرهنگ

مراد از فرهنگ همان مفاهیم و آموزه‌های اجتماعی و فردی است که در قالب هنجارهای رفتاری از انسان سر می‌زند یا انسان به موجب آن خود را معرفی می‌کند. این عناصر و ترکیب ساختاری فرهنگ، عمدتاً منبع مهمی برای هویت متعلقان به آن فرهنگ به شمار می‌رود. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸ش، ص ۲۱) در حوزه ملت و ملیت، این ابعاد مشترک فرهنگی است که هویت ملی را شکل داده، موجبات تفاهم، همبستگی و همدلی را فراهم می‌کند، رشته‌های مودت و وفاق ملی را استحکام می‌بخشد و وحدت ملی را تضمین می‌کند. (همو، ص ۲۳)

فرهنگ را می‌توان به عنوان میراث اجتماعی یک جامعه به حساب آورد: این میراث نه تنها شامل تمام کالاها و ابداعات مادی است، بلکه تولیدات فکری و روحی (مانند عقاید، ارزش‌ها، باورها و تمایلات) را نیز در بر می‌گیرد. فرهنگ پدیده‌ای فطری نیست و همراه با رشد فرد درون یک جامعه فرهنگی رشد می‌یابد. بنابراین فرهنگ نمایانگر تأثیر تربیت بر طبیعت و فطرت انسانی است. (مویر، ۱۳۹۰ش، ص ۳۲)

در دین مبین اسلام فرهنگ نیز یکی از مبانی هویتی اساسی است و این در حالی است که تعلیم و تربیت مهم‌ترین پارامتر مؤثر در فرهنگ به شمار می‌آید.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَهُمُ الْمُرْجِئَةُ.

احادیث اسلامی را به فرزندان خود بیاموزید و در این مهم تعجیل کنید، پیش از آنکه مرجئه (مخالفان گمراه) بر شما پیشی گیرند. (کلینی، ۱۳۸۶ ش،

ج ۶، ص ۴۷)

حضرت علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام می فرمایند: «... فرزندانم، از دوران کودکی در پرورش توقیام کردم پیش از آنکه دل تربیت پذیر تو سخت شود و مطالب گوناگون عقلت را اشغال کند». (طبرسی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۷۱).

### ۳- محیط

عامل دیگری که در ساختن شخصیت انسان اثر بسیار دارد محیط اجتماع است. (الهامی، ۱۳۷۰ ش، ص ۳۷۰) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرمایند: «أَشْعَدُ النَّاسِ مَنْ خَالَطَ كِرَامَ النَّاسِ»؛ «از همه سعادت مندتر آن است که با مردم نیک و بزرگ معاشرت کند». (مجلسی، ۱۳۶۰ ش، ج ۱۵، ص ۵۱) امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند: «مَنْ يَصْحَبُ صَاحِبَ السُّوءِ لَا يَسْلَمُ»؛ «کسی که با رفیق بد هم نشین شود سالم نمی ماند [و سرانجام به ناکامی آلوده می شود]». (طبرسی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۶۵)

در مفاهیم جغرافیای سیاسی از عناوین «نیروهای همگرا و واگرا» به عنوان عوامل محیط مؤثر بر هویت افراد یک ملت یاد می شود؛ به گونه ای که مصادیقی از قبیل ریشه تاریخی، فرهنگ ملی، مفاخر ملی، دین، آرمان سیاسی مشترک نمادها و تهدیدات خارجی (نیروهای همگرا) و عواملی نظیر ترکیب نامتوازن، توپوگرافی سرزمینی نامناسب، سیستم ارتباطی نامناسب و از این قبیل (نیروهای واگرا) در تعیین چگونگی ترکیب و انسجام یک ملت نقش عمده ای ایفا می کند و به تبع آن

بر افراد ملت و هویت ملی آنها مؤثرند.

بنابراین می‌توان گفت که در اسلام عامل محیطی، به سبب تأثیر زیاد آن بر روحیات افراد، به عنوان عامل اساسی در شکل‌گیری شخصیت و هویت یک مسلمان مطرح شده است.

#### ۴- عقل و پیامبران

از آنجا که عقل و پیامبران الهی هر دو در راستای تعلیم و تربیت و آگاهی افراد اجتماع عمل می‌کنند و بیشتر از جنبه فکری و روحی قابل دریافت هستند، می‌توان آنها را از مصادیق مؤثر در هویت اسلامی دانست.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید: «خداوند بر مردم دو حجت قرار داده است: حجت آشکار و حجت پنهان. حجت آشکار رسولان، پیامبران و امامانند و حجت پنهان عقل مردم است». (کلینی، ۱۳۸۶ ش، ج ۱، ص ۱۱). بنابراین خداوند پیامبران را برای اصلاح و تربیت مردم فرستاد تا دستورات و برنامه زندگی امت را ابلاغ کنند و از این جهت به عقل تأکید شده است تا انسان‌ها به علل روانی، فلسفی و اجتماعی احکام پی ببرند. (الهامی، ۱۳۷۰ ش، ص ۴۸۲).

#### تجزیه و تحلیل و یافته‌ها

#### بررسی هویت اسلامی و دیپلماسی حج، بر مبنای نظریات گاتمن و جونز:

همان‌طور که اشاره شد، هویت عمل مهم ژئوپلیتیکی، و سبب یکپارچگی فضای سیاسی است. از دیدگاه ژان گاتمن<sup>۱</sup> ملت‌ها دارای روح هستند که از آن تحت عنوان «روح ملی» (national spirit) یاد می‌شود. این روح ملی مبنای شکل‌گیری

1 Jean Gottmann

واحدهای سیاسی در سطح کره زمین است و به واسطه استمساک ملل به آن بسیاری از مشکلات ملی و بین‌المللی ملت‌ها حل می‌شود (Gottman, 1951: 163-164). گاتمن برای تبیین نظریه خود از دو مفهوم سیرکولاسیون و آیکونوگرافی استفاده کرده است. بر اساس مفهوم سیرکولاسیون، روابط بین فضاهای جغرافیایی و سیاسی وابسته چگونگی حرکت و ارتباطات میان عوامل و مؤلفه‌های آن است و این حرکت سبب تغییرات بزرگی همچون افول، فروپاشی یا تغییرات مناسبات قدرت و ثروت می‌شود. (ویسی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۶۳) از سوی دیگر بر اساس دیدگاه آیکونوگرافی، نمادگرایی و احساس تعلق مردم به اصول و آرمان‌ها می‌توان سبب پیدایش یا توسعه حکومت‌ها و فضاهای سیاسی و جغرافیایی گردد. (همو، ص ۱۶۴) در نتیجه سیرکولاسیون و آیکونوگرافی می‌توانند به عنوان نیروهای شکل‌دهنده و تغییردهنده واحدهای سیاسی و نقشه جهان عمل کرده و سبب نزدیکی و همکاری یا دوری و انزوای واحدهای سیاسی گردد. (مجتهدزاده، ۱۳۹۰ش، ص ۳۷۴)

از آنجا که هویت و هویت اسلامی عامل و مؤلفه مهم جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی است، عملاً می‌تواند در فرایندهای بین‌المللی، بر مبنای حرکت و نمادگرایی ملت‌ها، سبب تحکیم و هم‌افزایی مسلمانان گردد و حتی حکومت‌های غیراسلامی مسلط به مسلمانان را دچار تحول اساسی در نگرش کند. از این رو مناسک حج به عنوان همایش عظیم جهان اسلام فرصت استثنایی برای دستیابی به این مهم است. استفان بارجونز<sup>۱</sup> در نظریه «میدان متحد» یک زنجیره پنج قسمتی ترسیم می‌کند که اجزای آن عبارتند از: «اندیشه، سیاسی، تصمیم، حرکت، میدان و ناحیه سیاسی». در این زنجیره، حوادث سیاسی، قدرت سیاسی و فرایندهای سیاسی

1. Stephen Barr Jones (circulation) (Iconography)

به واسطه عملکرد اجزای آن شکل می‌گیرد و در این فرایند پنج مرحله‌ای یک قلمرو فضایی و سیاسی پدیدار می‌شود و نقش‌آفرینی می‌کند. از دیدگاه وی به واسطه کشمکش اندیشه‌ها در یک میدان سیاسی، تصمیم، حرکت و خلق قدرت و وحدت به وجود خواهد آمد. (Jones, 1954, P. 115-120). بر این اساس ظرفیت موجود در مناسک حج می‌تواند در فرایند دیپلماسی موفق و مطلوب حج، به سبب اندیشه سیاسی معطوف به هویت و تمدن غنی اسلامی، موجب دگرگونی در نواحی سیاسی و حکومت‌ها شود و نیز موجبات تصمیمات سیاسی بین‌المللی و جهانی مهمی را فراهم آورد.

### نظریه‌های جامعه‌شناسی دین

جامعه‌شناسان، دین را بیشتر به خاطر کارکرد آن در جامعه و نقشی که در تقویت انسجام اجتماعی دارد مطالعه می‌کنند و وجود دین در جامعه را با توجه به نقش انسجام‌بخشی آن مفید می‌دانند. دانیل بیتس در زمینه کارکرد دین اظهار می‌کند که عقاید دینی، اسطوره‌ها، جهان‌بینی‌ها، مراسم و مناسک در درک ما از زمان و مکان، دید ما از رفتار خود و دیگران و مفهوم‌سازی‌هایمان از دنیا آن‌طور که هست و آن‌طور که باید باشد، اساسی است. دین و جهان‌بینی نه تنها مدلی از دنیا، بلکه طرحی برای وضع مطلوب در دنیا ارائه می‌کند.

«بیتس»، که در مطالعات خود بر نقش و کارکرد مراسم و مناسک دینی تمرکز کرده است، دین را عامل تقویت حس همبستگی گروهی می‌داند و بر این عقیده است که دین سه کارکرد اساسی در جامعه انسانی دارد. این سه کارکرد عبارتند از: «پاسخ به سؤالات اساسی در مورد منشأ و هدف هستی، اعتباربخشی به نظم اخلاقی و اجتماعی موجود، دادن انضباط روانشناختی به پیروان و تسکین رنج‌ها و

ناامیدی‌هایی که به طور اجتناب‌ناپذیر در زندگی آنها رخ می‌دهد». (افروغ، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۰۸)

«درسلر» اعتقاد دارد که دین دو دسته کارکرد روان‌شناختی و اجتماعی دارد. وی دین به عنوان وجدان، که نوعی کنترل شخص است، و نقش آن در توجیه وضع موجود و پذیرش نامطلوبی‌هایی نظیر فقر، نابرابری و مرگ و در نهایت احساس امنیت را از کارکردهای روان‌شناختی دین می‌داند. همچنین او مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی دین را کمک دین به جامعه‌پذیری افراد جامعه و نقش آن در بهبود شرایط زندگی انسان معاصر، کند کردن روند تغییر اجتماعی، کند کردن یا شتاب بخشیدن به ستیز اجتماعی، مشروعیت بخشیدن به ایدئولوژی و احساسات گروهی خاص در جامعه، ایجاد همبستگی و انسجام گروهی برمی‌شمارد. (همو، ص ۵۰۱)

در بین اندیشمندان و نظریه‌پردازان این مکتب «دورکیم» بیش از بقیه برابعد مختلف دین تمرکز کرده است. دورکیم دین را نظام منسجمی از عقاید و اعمال مرتبط با امور مقدس می‌داند؛ عقاید و اعمالی که همه پیروان را در قالب یک اجتماع واحد (جامعه دینی) متحد می‌کند. لذا تمام کسانی که بدان می‌پیوندند را متحد می‌کند و پایه‌گذار انسجام اجتماعی در بین پیروان است؛ به طوری که به هیچ وجه نمی‌توان آن را از زندگی فطری و اجتماعی انسان جدا کرد. او اساسی‌ترین مقولات فکری بشر را مقولات مذهبی می‌داند و برای دین سه کارکرد قائل است:

۱. وحدت بخشیدن: دین اجزای جامعه را به یکدیگر متصل می‌کند و آن را به عنصری واحد بدل، و سمبول‌های اساسی وحدت فراهم می‌کند؛ چنان‌که ریشه‌های تفکر و فرهنگ و حتی سازمان یافتن ذهن انسانی مستقیماً وابسته به اعمال دینی اوست.



۲. احیا و تقویت قوا: مؤمنی که با خدا راز و نیاز می‌کند نه تنها انسانی است که به حقایق جدیدی دست می‌یابد، بلکه انسانی است که خود را قدرتمند احساس می‌کند. او درون خود نیروی بیشتری احساس می‌کند و توانایی بیشتری در غلبه بر سختی‌ها و مشکلات دارد.

۳. عملکرد تسکینی دین: منظور همان آرامشی است که انسان‌ها با توسل به دین در رابطه با اجتماع خود کسب می‌کنند. به نظر دورکیم، عملکرد تسکینی (به ویژه در ایام نومیدی و اغتشاش اجتماعی) دارای اهمیت زیادی است. (جعفری نژاد، ۱۳۸۴، ص ۱۸۵).

علاوه بر این در هر دینی انجام دادن یک سری اعمال خاص برای پیروان آن دین ممنوع شده و برای عاملان آن تنبیه، ملامت یا دست کم نفرت عمومی به دنبال خواهد داشت. در پی انجام دادن اعمال ممنوعه فرد گناهکار می‌شود و باید منتظر نوعی عذاب (از طرف جامعه یا طبیعت) باشد. (دورکیم، ۱۳۸۳ش، ص ۳۰۰)

دورکیم معتقد است دین عقیده صرف نیست، بلکه معمولاً با مراسم و مناسک همراه است و این خود نوعی حس همبستگی گروهی را تقویت می‌کند و بیانگر تأثیر و نفوذ جمع بر فرد است. دین در خود هم احساس و رفتار دارد و هم شیوه تفکر. (افروغ، ۱۳۷۷ش، ص ۱۱۰) دورکیم پدیده‌های دینی را به دو مقوله باورها و مناسک تقسیم می‌کند. به استدلال ایشان، دین زائیده مناسک است و از طریق مشارکت در مناسک و مراسم مذهبی است که قدرت اخلاقی جامعه آشکارا احساس می‌شود و احساسات اخلاقی و اجتماعی از این طریق تقویت و تجدید می‌شوند. ایشان کیش عبادی یا مناسک دینی را مجموعه‌ای از اعمال تکراری، که ایمان از راه آنها ترجمان بیرونی پیدا می‌کند، نمی‌داند. بلکه آن را مجموعه وسایلی می‌داند که ایمان و احساس دینی از طریق آنها ایجاد، و دوره به دوره تکرار می‌شود.

دورکیم معتقد است همه ادیان دارای مناسک و رفتارهای دینی منظمی هستند که در آن گروهی از مؤمنان گرد هم جمع می‌شوند و از این طریق حس همبستگی گروهی در آنها تقویت می‌شود. در واقع مناسک دینی برای پیوند دادن اعضای گروه ضروری است. از این رو است که آنها نه تنها در وضعیت‌های عادی پرستش، بلکه در بحران‌های گوناگون زندگی که در آنها تغییرات عمده اجتماعی مانند تولد، ازدواج یا مرگ یافت می‌شود تجربه می‌شود. (گیدنز، ۱۳۷۶ش، ص ۴۹۳)

مناسک دینی برخلاف کنش‌های اقتصادی، که در آن مردم به صورت جداگانه زندگی می‌کنند و به اهداف اجتماعی یا فردی خود مشغول هستند، با برقراری نوعی روابط عاطفی مثبت سبب انسجام و یکپارچگی بین شرکت‌کنندگان می‌شود. به خصوص در ایام برگزاری این مراسم گروه‌ها و افراد در کنار هم به گونه‌های دیگر از اوقات معمولی خویش دست به کنش‌های واحدی می‌زنند و خود را از دیگران باز نمی‌شناسند. این اعتقادات، باورها و گرایش‌ها در هنگام برگزاری مراسم وحدت و علاقه‌مندی و یکدلی را بین شرکت‌کنندگان فراهم می‌سازد. همبستگی و یگانگی‌ای که از طریق همانندی در احساسات و تبعیت از نظام‌های ارزشی واحد صورت می‌گیرد می‌تواند کنشگران را به هم متصل کند. از سوی دیگر آنجا که سنن و آداب دینی در مراسم مذهبی با گریه‌ها و عزاداری‌های جمعی و با شورآفرینی‌های خاصی همراه است، کنشگران با این عمل مذهبی نوعی احساس تپه‌پرو و نزدیکی به خدا می‌کنند. این امر سبب نوعی کامیابی و نشاط برای کنشگران عزادار می‌شود. در واقع تفریح اجتماعی در این مراسم، با توجه به ویژگی‌ها و جاذبه‌های خاص آن، موجب تقویت، تحرک و آرامش و تجدید حیات فردی می‌شود. (جمشیدی‌ها و قبادی، ۱۳۸۶ش، ص ۴۹)

## عوامل تأثیرگذار بر هویت فرهنگی مسلمانان

بسیاری از نظریه پردازان دیپلماسی فرهنگی را نمونه بارز و اعلاای اعمال قدرت نرم میدانند که به کشورها امکان نفوذ در طرف مقابل از طریق عناصری مانند فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها می‌دهد. جوزف نای، نظریه پرداز معاصر روابط بین‌الملل، قدرت نرم را در تعارض با قدرت سخت، یعنی تسخیر کردن از طریق نیروی نظامی، می‌داند. به عقیده جوزف نای، قدرت نرم در یک کشور می‌تواند از سه منبع اصلی پدید آید: «فرهنگ آن کشور، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی».

جوزف نای معتقد است وقتی فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهانی را شامل شود و بنیاد و سیاست‌های آن را علایق و ارزش‌های مشترک جهانی شکل دهد، احتمال اینکه نتایج مطلوب با هزینه اندک و مبتنی بر قدرت نرم تحصیل شود افزایش می‌یابد. افزایش این احتمال به خاطر رابطه‌ای است که چنین فرهنگی بین جاذبه‌ها و وظایف ایجاد می‌کند. ارزش‌های محدود و فرهنگ‌های ناحیه‌ای، کمتر می‌توانند قدرت نرم ایجاد کنند. (جوزف نای، ۱۳۸۹ش، ص ۵۲)

پس با توجه به تعریف هویت فرهنگی، افراد وابسته به هر فرهنگی باید به درستی فرهنگ خود را بشناسند درک کنند و وجوه امتیاز آن را نسبت به سایر فرهنگ‌ها بدانند و در پرورش و اشاعه فرهنگ خود بکوشند.

شکی نیست که هویت مسلمانان وابسته به دین اسلام است؛ به طوری که دستورات اسلام در گفتار و کردار و پندار مسلمانان تأثیر مستقیم می‌گذارد و در همه جوانب و ابعاد مختلف آنها تأثیرگذار است و با عمل کردن و تقید به دستورات و قوانین اسلام است که برای مسلمانان فرهنگ و هویت اسلامی شکل می‌گیرد. این فرهنگ و هویت اسلامی دارای مجموعه‌ای از عناصر ارزشی است که شناختن آن

عناصر برای هر مسلمانی ضروری است و در نتیجه، شناخت صحیح این عناصر، هویت فرهنگی و اسلامی تقویت می شود. تمام اصالت و هویت فرهنگی مسلمانان وابسته به دین اسلام است و اسلام هم مجموعه ای از دستورات و قوانین است که برای سعادت بشر آمده است. این قوانین و مقررات، که در افکار و رفتار مسلمانان بروز می یابد، بر اصولی اعتقادی استوار است. (طباطبایی، ۱۳۶۲ش، ص ۱۷) بنابراین اسلام مجموعه ای از قوانین و مقررات الهی است که به منظور سعادت بشر برای انسان ها وضع شده است و مسلمان هم به کسی گفته می شود که در برابر دستورات خدا خاضع و خاشع باشد و از آیین و کیش پیامبر اسلام پیروی کند؛ چرا که این آیین مردم را به گردن نهادن و خضوع در برابر خداوند عالم فرا می خواند و به سعادت در دنیا و آخرت رهنمون می گردد. از این رو خدای واحد، پیامبر واحد، کتاب واحد و قبله واحد از عناصر مشترک هویت بخش و معرف هویت فرهنگی مسلمانان دانسته می شود.

### مراسم حج و تقویت هویت مسلمانان

به جا آوردن مناسک حج در سرزمین وحی و مشاهده مشاعر مقدس، زمینه آشنایی حج گزار را با ریشه های فرهنگی و اسلام فراهم می کند و باعث می شود که او ریشه های تاریخی پیدایش دین خود را بشناسد، از ویژگی های بارز و برجسته اسلام آگاه شود و از جایگاه دین خود بین ادیان دیگر شناخت دقیق تری پیدا کند. شواهد تجربی از تأثیر مراسم مذهبی در شکل گیری هویت دینی حکایت می کند. در بیانی که منسوب به شبلی است، آمده است:

فَحِينَ صَلَّى فِيهِ رُكْعَتَيْنِ نَوَيْتُ أَنَّكَ صَلَّى بِصَلَاةِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

آیا وقتی پشت مقام ابراهیم دو رکعت نماز طواف خواندی قصد کردی

ابراهیم‌گونه نماز بخوانی؟ (نوری، ۱۴۹۷ق، ص ۱۶۸)

از آنجا که حضرت ابراهیم علیه السلام بنیانگذار ادیان توحیدی است، می‌توان گفت که امام سجاد علیه السلام شبلی را به دین توحیدی راهنمایی می‌کند و با یادآوری مقام ابراهیم و لزوم توجه به ارزش‌های خلق شده به دست او، که سرسلسله ادیان توحیدی است، گذشته دین حج‌گزار را به او معرفی، و به این وسیله به هویت دینی و تقویت آن کمک می‌کند.

سازوکار تأمین منفعت، مشروط به آگاهی از هویت است. زمانی که تغییرات سریع اجتماعی روی می‌دهد، هویت‌های جا افتاده از هم گسیخته می‌شود، دوباره تعریف می‌شود و هویت تازه‌ای شکل می‌گیرد. دین برای کسانی که با پرسش‌هایی از این دست روبه‌رو هستند که من کیستم؟ به کجا تعلق دارم؟ پاسخی قانع‌کننده دارد. همه ادیان به افراد، حس هویت عطا می‌کنند و راه زندگی را نشان می‌دهند. در این فرایند مسلمانان یا هویت تاریخی خود را دوباره باز می‌یابند یا آن را به وجود می‌آورند. انسان هر چه هدف‌های جهان‌نگرانه داشته باشد، دین است که با خط کشیدن میان مؤمنان و غیرمؤمنان و مرزبندی میان خودی‌ها و بیگانه‌ها به او هویت می‌دهد.

مسلمانان از سراسر جهان در کنگره عظیم حج شرکت می‌کنند. از ملیت‌های مختلف و فراتر از همه مرزهای اعتباری، در کنار یکدیگر جمع می‌شوند و بدون توجه به تمایزات و تفاوت‌های فردی، اجتماعی، ملیتی، فرهنگی، اعمال مشترک و واحدی انجام می‌دهند؛ اعمالی که از یک تمدن الهی و معنادار ریشه گرفته است و برای همه حج‌گزاران ضرورت یکسانی دارد. در چنین مراسمی است که این اعمال به همراه آگاهی از اسرار و رموز آن، افراد را به هویت دینی و ریشه‌های

شکل‌گیری مناسک حج رهنمون می‌شود؛ رفتارهایی که به فردی خاص یا ملیتی ویژه اختصاص ندارد. در این فضا افراد به همان داربستی دست می‌یابند که می‌تواند تکیه‌گاه معرفتی آنها باشد و با تمسک به آن خود را در برابر دیگر تمدن‌ها محافظت کنند.

بنابراین حج است که با آن می‌توان مسلمانان را سالیانه در یک اجتماع عظیم مذهبی گرد هم آورد و همگان را با دستور و نظام هماهنگ و شعار واحد به اجرای مراحل مختلف مناسک هدایت کرد و ارتباط معنوی با خدا و مردم را در عالی‌ترین و زیباترین صورت نشان داد. مناسک حج مناسک خانوادگی، خویشاوندی، ملی و نژادی نیست، بلکه مناسکی معنوی و جهانی است. ملل و نحل موجود در جهان فقط توانسته‌اند مناسک ملی و نژادی داشته باشند و در نهایت در قرن اخیر، که به پدیده جهانی شدن می‌اندیشند، جز در چهارچوب روابط مادی و سیاسی تصویری از جهانی شدن را درک نمی‌کنند. مناسک حج، مناسکی معنوی و جهانی است که توجه به اعمال آن مسلمانان را متوجه هویت دینی و فرهنگی خود می‌کند.

در حقیقت حج نمونه کوچک واحد اسلامی است که به صورت منطقی تشکیل می‌شود و هویت واحد امت اسلامی را عملاً به نمایش می‌گذارد و مسلمانان جهان را با یکدیگر پیوند می‌دهد و به آنان هویت واحدی القا می‌کند. حج گزارپس از آنکه در صحنه حج حضور می‌یابد، خود را عضو مجموعه بزرگ تری به نام امت اسلامی قلمداد می‌کند. این تأثیر و کارکرد حج در تقویت هویت دینی و فرهنگی را می‌توان به خوبی در تاریخ جوامع اسلامی دید.

از آنجا که محور و مبنای زندگی اجتماعی برقراری ارتباط با دیگران است و هویت اجتماعی چنین امکانی را فراهم می‌کند [و به عبارت دیگر بدون هویت اجتماعی جامعه‌ای وجود ندارد] لازم است عوامل و مسائل تأثیرگذار بر هویت اجتماعی و

فرهنگی شناخته شوند. باید دید چه عواملی باعث ضعف هویت فرهنگی، و چه مسائلی باعث تقویت هویت اجتماعی و فرهنگی می شود. یکی از این عوامل مهم شناخت محاسن و امتیازات فرهنگ خودی و مقایسه آن با فرهنگ های دیگر است؛ در این صورت انسان قدردان فرهنگ خودش می شود و در جهت نشر و گسترش آن تلاش می کند.

### نتیجه گیری

در عصر کنونی که اسلام هراسی، انزوای امت اسلامی، کثرت گرایی و تضعیف وحدت اسلامی، ظهور جریان های تکفیری، نفوذ تفکرات منحط و غرب زده (همچون لیبرالیسم اسلامی) در افکار و عقاید حاکمان و ملل مسلمان گریبان گیر امت اسلامی شده است، راهی جز اشاعه فرهنگ و ایدئولوژی اسلام ناب محمدی باقی نمانده است. عرصه مناسب حج نقطه الحاق امت اسلامی است و همه مسلمانان فارغ از عقاید سیاسی، رنگ پوست و نژاد و زبان و ملیت، حول یک محور، که همانا توحید و التزام به فرمان الهی است، گرد هم می آیند و این فرصت مغتنم گرانبهایی است تا بتوان اساس تفکر اسلامی را تبیین کرد و گسترش داد. لازمه این مهم، بهره گیری از ظرفیت ها و کدهای ژئوپلیتیکی است که بر مبنای نظریات جامعه شناسی، جغرافیایی و سیاسی، سبب همگرایی، حرکت و توسعه امت اسلامی خواهد شد. هویت اسلامی، به عنوان یک مؤلفه ژئوپلیتیکی بسیار مهم، می تواند در فرایند دیپلماسی حج، ضمن توسعه تفکر اسلامی، موجب اتحاد و اثرگذاری عمیق در تصمیم سازی ها و تصمیم گیری های جهانی شود و از سوی دیگر کنش ها و اندرکنش های ژئوپلیتیکی در دیپلماسی حج می تواند باعث تقویت این هویت اسلامی گردد.

## منابع

### منابع فارسی

۱. افروغ، عماد (۱۳۸۷)، هویت ایرانی و حقوق فرهنگی، تهران، انتشارات سوره مهر.
۲. الهامی، داود (۱۳۷۰)، مبانی حکومت اسلامی، قم، انتشارات مؤسسه علمی و فرهنگی سیدالشهدا.
۳. امان‌اللهی، اسکندر (۱۳۸۳)، مناسبات قومی و وحدت ملی، بررسی موردی قوم لر، مجموعه همایش علمی «بررسی هویت ملی»
۴. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴)، روایت هویت و غیریت در میان ایرانیان، تهران، فرهنگ گفتمان.
۵. جعفری، محمدمتقی (۱۳۹۴)، برنامه تلویزیونی مستند در ارتباط با مفاهیم حکومت و علوم سیاسی، شبکه چهار سیما ج.ا.ا. مورخه ۱۳۹۴/۰۵/۱۶، ساعت ۰۹۴۵
۶. جوزف نای (۱۳۸۹)، قدرت نرم، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۷. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۳). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، پاپلی.
۸. خسروانیان، حمیدرضا (۱۳۸۷)، «ترسیم هویت ملی (ایران) در کتاب‌های درسی تاریخ متوسطه او از سال ۱۳۴۳ - ۱۳۸۵»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، استاد راهنما: یحیی ابراهیم‌زاده، دانشگاه شهید بهشتی.
۹. دورکیم، امیل (۱۳۸۳)، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاروان.
۱۰. ----- (۱۳۸۳)، صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پیرهام، تهران، مرکز.
۱۱. سجادی، سیدعبد‌القیوم (۱۳۸۲)، دیپلماسی در اسلام، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۱، شماره ۲۱.
۱۲. سیدی‌فرد، سیدمحمدجواد (۱۳۹۷)، درآمدی بر جغرافیای سیاسی در اسلام، تهران، انتشارات دانشکده علوم و فنون فارابی.
۱۳. صادق‌زاده، هادی (۱۳۹۵)، کارکرد دیپلماسی فرهنگی حج در تقویت هویت فرهنگی مسلمانان، فصلنامه میقات حج، دوره ۲۵، شماره ۹۸.
۱۴. صالحی‌امیری، رضا و محمدی، سعید (۱۳۸۹)، دیپلماسی فرهنگی، چاپ اول، تهران، نشر ققنوس.



۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۲)، شیعه در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۱۷ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، انتشارات مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۷. ظریف، محمدجواد و سجادیپور، کاظم (۱۳۹۴)، دیپلماسی چندجانبه، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۶)، اصول کافی، ترجمه مهدی آیت اللهی، تهران، انتشارات جهان آرا.
۱۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، جامعه شناسی، ترجمه هوشنگ نائینی، تهران، نشر نی.
۲۰. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۴)، دموکراسی و هویت ایرانی، شماره پنجم و ششم، صفحه ۲۲۱.
۲۱. ----- (۱۳۹۰)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، سمت.
۲۲. ----- (۱۳۹۱)، فلسفه کارکرد ژئوپلیتیک- مفاهیم و نظریه ها در عصر فضای مجازی، تهران، انتشارات سمت.
۲۳. محسنی، طاهره و احمدی بیغش خدیجه (۱۳۹۸)، جهان شمولی آموزه های دیپلماسی سیاسی اسلام از منظر قرآن کریم، همایش جهان شمولی آموزه های قرآنی و روایی، قم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، [https://www.civilica.com/Paper-WCQND01-WCQND01\\_027.html](https://www.civilica.com/Paper-WCQND01-WCQND01_027.html)
۲۴. مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، درآمدی نو در جغرافیای سیاسی، ترجمه حیدر دره میر و رحیم صفوی، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۲۵. ورام، مسعود بن عیسی (۱۳۶۹)، مجموعه ورام، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
۲۶. ویسی، هادی (۱۳۹۴)، مفاهیم و نظریه های جغرافیای سیاسی، تهران، سمت.

### منابع خارجی:

27. Cohen. Sual B.(1994). Geopolitics In The New Woeld Era. Chapter 2 from Reor dering the world، Edited by: George J. Demko and Wiliam B Wood. USA: West-view Press.
28. Gaddis، J.i.(1982). Strategies of Containment. NewYork : U.P

29. Gottmann, J.(1951). “Geography&InternationalRelations”, World Politics, Vol.3, No.2, pp.153-173.
30. palgrav Mac Millan.-Jones, S.B(1954), “ A Unified Field Theory of Political Geography”, Annals of the Association of American Geographers, Vol.44, No.2.pp. 111 -123 .
31. Martin Muller, Doing Discourse Analysis In Critinal Geopolitics, 2018, Critinal Geopolitics.12(3):mis enligne le 11 fevrier 2011, consulte le 19 septembre 2018.
32. Melissen, Jan.(2005). The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations, Newyork
33. Pacion.Michael.(1985). Progress In Political Geography. Australia :Groom Helm.
34. Taylor, Peter.J.(1994). Political Geography. England: Longman Scientific & Technical

